



# تعامل قرآن و سنت در فهم دین

منصوره براری مطلق

قرآن مجید، برترین و آخرین پیام خداوند و ارزشمندترین گوهر گران بهایی است که از پیامبر اکرم (ص) به جا مانده است. حجیت آن به دلیل این که کلام صاحب شریعت است، ذاتی است و هم چنین بیانگر حجیت سنت معصوم نیز هست. سنت به معنای قول، فعل و تقریر معصوم، تکیه گاهی است که همواره در فهم دین به آن استناد شده است و در ردیف قرآن از آن یاد کرده اند و به دلیل شأن و مرتبت خاصی که خداوند برای پیامبر خواسته و به ایشان عطا نموده، دارای حجیت ذاتی است. با توجه به پژوهش های بسیار و بررسی دیدگاه های گوناگونی که در این زمینه انجام گرفته، بر اساس نظریه ی برگزیده «اصالت توأمان قرآن و حجیت سنت»، رابطه و پیوند میان این دو منبع معرفت شناسی، رابطه ای دوسویه است. گرچه ظاهر قرآن حجت است، اما تمسک به آن، به فحوص از دلیل متصل و منفصل یعنی قرآن و سنت نیازمند است. برای تبیین آموزه های دینی، یکی به کلیات می پردازد و دیگری وارد جزئیات می شود. گاهی قرآن به کمک سنت می آید و گاهی سنت به کمک قرآن. نتیجه ی این تعامل آن است که برای شناخت دین، وجود هر دو منبع در کنار هم ضروری است و هر یک بدون حضور دیگری نمی تواند تبیین کننده ی معارف دینی باشد.

کلیدواژه ها: دین، فهم دین، حجیت، سنت، قرینه ی متصل، قرینه ی منفصل، شناخت دین.

قرآن کریم، مبین اصول و قواعد کلی معارف دین اسلام است و پیامبر (ص) را به عنوان تبیین کننده‌ی جزئیات معرفی کرده است:

● و انزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهیم (النحل: ۴۴).

● و ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهیکم عنه فانتهوا (الحشر: ۷).

پیامبر اکرم (ص) در مواضع متعددی ضمن معرفی قرآن و عترت به عنوان ثقل اکبر و ثقل اصغر، این مقام و مسئولیت (تبیین) را به امامان معصوم (ع) از اهل بیت خویش سپردند. با معرفی قرآن به عنوان ثقل اکبر و معرفی اهل بیت پیامبر به عنوان ثقل اصغر، جدایی ناپذیری قرآن و سنت در تمام زمینه‌ها هویدا می‌شود.

نیازمندی همه جانبه‌ی این دو منبع شناخت دین پیش از هر چیزی به این واقعیت منتج می‌شود که بهره‌گیری از هر کدام، بدون ملاحظه و منظور کردن دیگری، انحراف از مسیر حق است. از این رو، پیامبر اکرم (ص) فرمود: «ما ان تمسکتُم بها لن تضلُّوا ابدأ و انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض.»

### تعامل قرآن و سنت در فهم دین

سنت در لغت به معنای طریقه و روش است و در عرف فقها گاه در مقابل بدعت به کار می‌رود (و به اموری اطلاق می‌شود که ریشه‌ای در دین داشته باشند) و گاهی در مقابل فریضه به کار می‌رود و به امور مستحبی اطلاق می‌شود [غفاری صفت، ص ۱۲].

از دیدگاه محدثان، قول و فعل و تقریر پیامبر (ص) و صحابه و یا امامان معصوم (ع)، برحسب تفاوتی که بین اهل سنت و شیعه می‌باشد، سنت نامیده می‌شود.

برخی از محققان معتقدند، شرایط صدور قول و فعل معصومین بسیار متنوع بوده است. هم چنین معصوم شأن الهی، سیاسی، انسانی و طبیعی گوناگونی دارد. از این رو، اقوال و افعال این بزرگواران دارای شأن و کاربرد واحد نیست. برخی از افعال و اقوال معصوم از نوع سنت تشریحی نیست، زیرا سنت تشریحی عبارت است از «کلام و کردار صادر از معصوم بما هو هاد» و همه‌ی اقوال و افعال معصومان جنبه‌ی هدایتی ندارد. مثلاً بعضی از کلام‌های معصوم جنبه‌ی تعلیمی دارد، و گاهی صدور کلام و کردار معصوم به اقتضای امامت و به انگیزه‌ی وضع قانون حکومتی و مطابق با شرایط زمان صورت گرفته است.

هم چنین کلام و کردار معصوم از باب تعبد و فرمان‌بری از احکام عبادی است که پیش‌تر از آن نیز مکلفین از آن آگاه بوده‌اند و هیچ‌بر معلومات و تکالیف آنان نمی‌افزاید. و نیز افعال و گفتاری که جزو عادات و شئون عادی و شخصی است، هرگز در زمره‌ی سنت تشریحی قرار نمی‌گیرد؛ همان‌گونه که قول یا فعل عبادی «اختصاص النبی» معصوم نیز سنت به شمار نمی‌رود. ضمن این‌که کلام و کردار تشریحی معصوم نیز همه از نوع تأسیسی نیست، و چه بسا کلامی برای تبیین حکم ابلاغ شده‌ی پیشین، یا تأویل کتاب، یا تنفیذ حکم و حکمت واصله، یا تأکید بر احکام عقلی و شرعی موجود، یا نسخ حکم قبلی از ساحت معصوم، صادر شده باشد. هم چنین ادعیه، مناجات‌ها، و زیارات مأثوره، به طور قطع جزئی از سنت معصوم است، اما اطلاق تشریح به همه‌ی آن‌ها دور از مسامحه نیست [رشاد، ش ۳، ص ۱۴].

با توجه به آن‌چه گفته شد، سنت عبارت است از: «ما صدر عن المعصوم دالاً علی رایه بما هو

هاد».



## مبنای حجیت سنت

شأن و جایگاه پیامبر (ص) به دلیل اتصال به منبع وحی و جلوه گردن اسماء و صفات الهی، به شخصیت، گفتار و کردار ایشان چنان اعتباری بخشیده است که برای حجیت سنت ایشان، سنت و امام دار قرآن نیست، بلکه حجیت آن، مانند قرآن ذاتی است. خداوند خود را تالی (تتلوا علیکم من نبأ موسی و فرعون بالحق لقوم یوقنون - القصص: ۳) و مبین (یرید الله لیبین لکم و یریدکم سنن الذین من قبلکم و یتوب علیکم والله علیم حکیم؛ النساء: ۲۶) و تزکیه کننده ی نفوس (الم تر الی الذین یرکون انفسهم بل الله یرکئ من یشاء و لا یظلمون فتیلاً؛ النساء: ۴۹) معرفی می کند. آن گاه همین اوصاف سه گانه را یکجا به رسول خدا اسناد می دهد: «هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلو علیهم آیاته و یرکبهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین» [جمعه: ۲].

هم چنین، قرآن در برخی آیات تبعیت مطلق از پیامبر (ص) را واجب می داند و بر ضرورت اطاعت مطلق از ایشان تأکید می ورزد: «قل ان کتمت تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله» [آل عمران: ۳۱]؛ و یا: «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و رسوله و لا تولوا عنه و اتمتعوا سمعکم» [الانفال: ۶۰].

منشأ حجیت سنت، همان منشأ حجیت قرآن است. قرآن، از آن جهت حجیت است که از ناحیه ی حضرت حق - عزوجل - نازل شده است. سنت نیز اگر حجیت است، به دلیل انتساب آن به وحی است؛ با این تفاوت که قرآن لفظ و محتوایش از طرف خداوند است، ولی محتوای سنت از طرف خدا و لفظش از طرف پیامبر (ص) است [تفسیری، ص ۲۱۱].

## دلایل حجیت سنت

حجیت سنت را می توان به دلایل عقلی و نقلی ثابت و روشن کرد. از آن جا که خداوند برای عموم افراد بشر تکالیف و برنامه هایی را برای رسیدن به سعادت و کمال تعیین کرده است، قطعاً برای هدایت و راهنمایی آنان نیز فردی از افراد بشر را معرفی نموده است تا این افراد برگزیده، افراد دیگر بشر را با وظایف و تکالیفی که خداوند در راه تکامل و هدایت آنان مقرر داشته است، آشنا سازند و حجت خدا بر آنان تمام شود.

از سوی دیگر، انجام چنین مسئولیتی از عهده ی افرادی بر می آید که از هر گناه مصون هستند. چون در غیر این صورت به قول آن ها اطمینان نمی شود و پیروی از قول و فعل ایشان جایز نیست. دیگر این که اگر پیامبر گناه کند، باید او را نهی کرد و عمل او را منکر شمرد؛ در حالی که رد پیغمبر و آزار او جایز نیست. امام فخر رازی می گوید: گناهکار، فاسق است و قول فاسق را به تصریح قرآن نباید پذیرفت [طوسی، ص ۴۸۵].

بنابراین، فلسفه ی بعثت انبیا، عصمت ایشان را ضروری می سازد و عصمت به معنای انطباق کامل پیامبران در اندیشه، رفتار و گفتار، با حق و خواست الهی است، و پیروی از ایشان بر ما واجب و ضروری است. از دلایل نقلی حجیت سنت پیامبر؛ قرآن، اجماع و سیره ی مسلمانان را می توان نام برد. قرآن در آیات بسیاری به اعتبار سنت پیامبر (ص) اشاره دارد؛ آن جا که یکی از مسئولیت های



پیامبر را داوری و پایان دادن به مشاجرات و اختلافات بیان داشته است [بقره: ۲۱۳] و در سوره‌ی احزاب آیه‌ی ۳۶، به مردان و زنان مؤمن گوشزد می‌کند که پس از داوری پیامبر (ص)، حق هیچ‌گونه اظهار نظر و تغییر رأی را ندارند. هم‌چنین در سوره‌ی نساء/آیه‌ی ۸۰، اطاعت از پیامبر را با اطاعت خدا برابر می‌شمارد. آیه‌ی دیگری، پیامبر را الگوی حسنه معرفی کرده است [الاحزاب: ۲۱] و در سوره‌ی حشر آیه‌ی ۷، امت به تمسک به تمام آموزه‌های پیامبر ملزم شده‌اند.

این آیات بر اطاعت بی‌قید و شرط از پیامبر دلالت دارند.

## اجماع

ملاک «حجیت اجماع» بین عالمان اهل سنت و شیعه تفاوت‌هایی دارد. اهل سنت، اصالتاً و شیعه به خاطر کاشفیت از رأی معصوم، آن را حجت می‌دانند. اما در این نکته اختلافی نیست که وقتی تمام مسلمانان و اندیشمندان فرق متفاوت اسلامی بر یک امر اتفاق نظر دارند، چنین اجماعی قطعاً حجت است. در گفتار معصومین چنین اجماعی معتبر شناخته شده است. سنت پیامبر (ص) از مصادیقی است که فرق اسلامی بر حجیت آن متفق القول هستند و آن را به عنوان دومین منبع شناخت دین در نظر دارند.

## سیره‌ی عملی مسلمانان

سنت از آغاز تاکنون همواره مورد توجه مسلمانان بوده است. صحابه از آغازین روز، با شنیدن این فرمان‌های پیامبر (ص) که: «صلّوا کما رأیتُمونی اصلی» و «خذوا منی مناسککم»، شیوه‌ی نماز خواندن و حج گزاردن را از پیامبر آموختند. در هر مشکل و معضلی به ایشان مراجعه می‌کردند و گفتار ایشان حجت بود. پس از رحلت پیامبر (ص)، صحابه، تابعین و تبع تابعین هم پیرو روایات پیامبر (ص) بودند. هم‌چنین، تمامی مکاتب فقهی کوشیدند، برای تحکیم عقاید خود از سنت پیامبر (ص) استفاده کنند که این امر خود نشانه‌ی سیره‌ی عملی مسلمین در تمسک به سنت پیامبر (ص) و بالطبع، معتبر دانستن آن است.

## مرجعیت قرآن در فهم دین

شیوه‌ی کلی قرآن بیان کلیات، و اصول و قواعد ارزشی و نگرشی است. اما از بیان برخی از روش‌هایی که در هدایت مؤثر و تأثیرگذار هستند نیز دریغ نکرده است. قرآن با بیان کلیات، اختصارگویی، و بیان محکّمات و متشابهات، ظاهر و مؤول و مجملات، جاودانگی و جهانی بودن خود را ثابت کرده است؛ چرا که در هر زمان، با گشوده شدن بطنی از بطون قرآن، نیازهای آن زمان جامعه پاسخ داده می‌شود.

## دیدگاه‌های متداول درباره‌ی کتاب و سنت

نوع رابطه‌ی قرآن و سنت از دیرباز مورد توجه مکاتب و نحله‌های گوناگون قرار داشته و دارد. نظریه‌ی اکتفای به قرآن (قرآن‌بستگی)، آن هم به ظاهر، و بی‌توجه به بواطن آیات قرآن، و نفی هرگونه منبع دیگر در کنار کتاب خدا، اولین بار از طرف خلیفه‌ی دوم مطرح شد. طبق این نظریه،



اصالت به قرآن داده می شود و حجیت حدیث نفی و مطرود است.

نظریه ی دیگری که در این رابطه مطرح است، «اخباری گری» است که بنیان گذار آن محمدامین استرآبادی، از علمای نامدار امامیه و بنیان گذار گرایش اخباریه است. ایشان بر پایه ی حدیثی از امام صادق (ع) که می فرمایند: برای هر امری که دو تن در آن اختلاف کنند، حتماً اصلی در کتاب خدا وجود دارد، ولی عقول مردم بدان زاه نمی برد، بر این عقیده اند که همه ی احکام شرعی در کتاب و سنت بیان شده اند [حویزی، ج ۳، ص ۷۵].

سومین نظریه ای که در این رابطه مطرح شده است، به اصالت قرآن و حجیت سنت اعتقاد دارد و در مقابل دو دیدگاه پیشین قرار گرفته است. بر اساس این نظریه، سنت به عنوان منبع شناخت دین، مستقلاً محور نیست، بلکه کانون اصلی فهم دین، قرآن است و هر آن چه در سنت آمده، در قرآن نیز آمده و سنت نیز در طول قرآن به عنوان یک منبع قابل استفاده است. بارزترین فردی که این رأی را می توان به ایشان نسبت داد، علامه طباطبایی است [مهریزی، ص ۱۴].

دیدگاه چهارم، به اصالت توأمان قرآن و سنت اعتقاد دارد. بر اساس این دیدگاه، دست یابی به مفاهیم قرآن میسر است و چنان نیست که فهم قرآن صرفاً در اختیار خداوند، پیامبر (ص) اهل بیت، یا صحابیان و تابعیان باشد. بلکه با استناد به آیات قرآن می توان گفت: قرآن مردم را به تأمل، تعمق، تفکر و تدبر دعوت کرده است و هر کس به اندازه ی توان علمی و روحی اش می تواند، به معارف قرآن دست یابد. ولی آن چه باید پذیرفت این است که قرآن دارای بواطن و ظواهر، ابهامات، اجملات، جزئیات و کلیاتی است که برای فهمیدن آن باید از سنت مدد جست. در این دیدگاه، سنت به عنوان منبعی مستقل و در عرض قرآن مطرح است و به طرق گوناگون ایفای نقش می کند. به عبارت دیگر، سنت مفسر قرآن است و مفسر می تواند ناسخ، مخصص، مقید، حاکم یا وارد بر مفسر باشد. سنت، علاوه بر نقش تبیینی می تواند با آوردن مطالبی نو و با قبض و بسط معارف قرآن، بر آن حکومت کند [نصیری، ص ۳۴].

دیدگاه دیگر مطرح در این زمینه، دیدگاه «تفکیکیون» است. ایشان تفکیک را با توجه به امر گسترش کار تاویل در متون دینی و کلام دیگران، و وجود فلسفه و عرفان، امری ضروری می دانند و معتقدند، مفاهیم و معارف باید به دور از تاویل و مزج با افکار و نحله ها و فکر و ذوق بشری مرزبندی شود [حکیمی، ص ۳۶].

«حکمت متعالیه»، دیدگاه دیگر مطرح در این حوزه است. صدر المتألهین شیرازی کوشیده است، عرفان و فلسفه و دین، یا به دیگر سخن، تهذیب نفس و برهان عقلی و وحی را در یک مجموعه ی هماهنگ ترکیب و یگانه سازد. در نظر او، برهان عقلی یا فلسفه، لزوماً به آرای یونانیان محدود نمانده است و با قرآن و احادیث پیامبر (ص) و ائمه (ع)، پیوندی تنگاتنگ دارد. این دو نیز به نوبه ی خود با آرای عرفانی قابل اتحادند. به همین دلیل، آثار او را ترکیبی از قضایای منطقی، شهود عرفانی، احادیث نبوی و آیات قرآنی تشکیل می دهند [دایرة المعارف شیعه].

#### منابع

۱. غفاری صفت، علی اکبر؛ تلخیص مقیاس الهدایة؛ انتشارات جامعه الامام الصادق؛ ۱۳۶۹؛ تهران.
۲. رشاد، علی اکبر؛ «سنت پژوهی»؛ مجله ی فقه و حقوق؛ ۱۳۸۳.
۳. نصیری، علی؛ رابطه ی متقابل کتاب و سنت؛ نسخه ی قبل از انتشار.
۴. طوسی، ابی جعفر محمدبن حسن (شیخ طوسی)؛ کشف المراد، ترجمه و شرح شعرانی؛ انتشارات اسلامیة.
۵. حویزی، عبدعلی؛ نورالثقلین؛ مؤسسه اسماعیلیان؛ ۱۴۱۵ق؛ قم.
۶. نصیری، علی؛ «رابطه ی متقابل کتاب و سنت»؛ مجله ی علوم حدیث؛ سال ۵؛ ش ۱.
۷. مهریزی، مهدی؛ «رابطه ی قرآن و حدیث»؛ مجله ی علوم حدیث؛ سال ۸؛ ش ۳۰.
۸. دایرة المعارف شیعه.
۹. حکیمی، محمدرضا؛ مکتب تفکیک؛ مرکز بررسی های اسلامی؛ ۱۳۷۳؛ قم.

